سردار غلامحسین هاشمی در گفت‌وگو با «جوان» از مؤلفه‌های خلق حماسه مردمی دفاع مقدس می‌گوید

خربزه گرگاب، انار شهرضا و مردمی که بهترین‌ها را هدیه می‌دادند

■ علیرضا محمدی

دشمن به ما حمله کرده بود. به رغم هشدارهایی که از چند ماه قبل توسط واحدهای نظامی مستقر در مرزها به مرکز مخابره می‌شد، غافلگیری در اولین روزهای شروع تقویمی جنگ به حدی بود که متجاوزان ظرف پنج روز به ۱۲ کیلومتری اهواز رسیدند. شرایط سیاسی کشور نابسامان بود و اختلافات بسیاری در بین چهره‌های سیاسی وجود داشت. مجموع این مسائل باعث می‌شد هر روز اخبار تلخی از جبهه‌های نبرد به گوش برسد. اما طولی نکشید نیرویی از درون کشور جوشید که جریان جنگ را به کلی تغییر داد. عراق را به لاک دفاعی فرو برد و تا سال انتهایی جنگ نیز این قدرت رزمندگان بود که اراده خود را بر دشمن تحمیل می‌کرد. اما چه شد که تهدید بزرگی چون جنگ تبدیل به خلق حماسه‌ای ماندگار به نام هشت سال دفاع مقدس شد؟ پاسخ این سؤال محور گفت‌وگوی ما با سردار غلامحسین هاشمی فرمانده واحد ادوات لشکر ۱۴ امام حسین(ع) در بخش اعظمی از دفاع مقدس است.

سردار غلامحسین هاشمی در کنار شهید حاج حسین خرازی و محسن رضایی

آقای هاشمی! به نظر شما مؤلفه‌های قدرت کشورمان در مقابله با تهدید بزرگی چون حمله دشمن بعثی چه بود؟

مردم ما خود را صاحب انقلاب می‌دانستند. بنابراین وقتی که یک قدرت خارجی، نظام اسلامی را تهدید کرد، آنها به دفاع از انقلاب و نظامی پرداختند که خودشان ایجاد کرده بودند. اینها گذشته از عرق ملی و دفاع از کیان سرزمین‌مان بود که در همه ملت‌ها وجود دارد. از طرف دیگر در این کشور رهبری چون حضرت امام(ره) وجود داشت که محبوب قلوب مردم بود. حرف و سخن ایشان در اقشار مختلف نفوذ داشت و خود این رهبر عظیم‌الشأن نیز از کیاست و مدیریت فوق‌العاده‌ای برخوردار بود. ایشان در اولین سخنرانی‌شان بعد از شروع جنگ می‌فرمایند که دزدی آمده، سنگی انداخته و فرار کرده است. با همین سخن آرامش را در کشور ایجاد می‌کند و با حفظ خونسردی و آرامش، رفته رفته هسته‌های مقاومت در برابر دشمن متجاوز شکل می‌گیرد. ما امروز در جایگاهی امن نسبت به وقایع آن روزها صحبت می‌کنیم. اما آن زمان پیش می‌آمد که یک نیروی مردمی یا سپاهی محتاج یک گلوله ژ ۳ بود. بنی‌صدر خیانت‌های خود را داشت و کارشکنی‌های بسیاری صورت می‌گرفت. حالا امام با مدیریت بحرانش می‌آید و کارها را سر و سامان می‌دهد. مردم هم با اعتقاد و اعتمادی که به ایشان داشتند، پای کار می‌ایستند و بر مشکلات فائق می‌آیند.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که رمز پیروزی ما، ولایتمداری و پای کار بودن مردم پشت سر رهبری چون حضرت امام بود که بر مشکلات فائق آمد. به عنوان یک رزمنده چه مصداقی از ولایتمداری رزمندگان سراغ دارید؟

یک نمونه بارزش عملیات خیبر و حفظ جزایر مجنون است. در آن زمان ما چندین روز در سخت‌ترین شرایط جنگیده بودیم و دشمن بخشی از مجنون را اشغال کرده بود و آنقدر به رزمندگان فشار می‌آورد که قصد داشتیم مابقی جزایر را تخلیه کنیم. اما وقتی خبر رسید امام دستور به حفظ جزایر داده‌اند، بچه‌ها چنان نیرویی گرفتند که احساس می‌کردی کیلومترشمارشان از نو تجدید شده و دفاع سرسختانه‌ای را به نمایش گذاشتند. تا آنجا که جزایر مجنون حفظ شدند و دشمن از بازپس‌گیری آنها ناامید شد. یادم است شهید حاج حسین خرازی فرمان امام را به بچه‌های لشکر ۱۴ امام حسین(ع) اعلام کرد. رزمنده‌ها هم بی‌چون و چرا آن را پذیرفتند و مقاومت تا پیروزی ادامه یافت.

نسل جوان قاعدتاً از عملیات خیبر و شرایطی که در جزایر مجنون داشتید بی‌اطلاع است، خوب است شرایط آنجا را به تصویر بکشید تا ارزش پذیرفتن حکم امام بیشتر معلوم شود.

جزایر مجنون شمالی و جنوبی وسعت کمی داشتند. از یک طرف به مرزهای ما می‌رسیدند و از طرف دیگر به عمق خاک عراق می‌رفتند. این جزایر در منطقه هور قرار داشتند که با آبراهه و باتلاق و نیزارها احاطه شده بود و ارتباط زمینی با خاک کشورمان نداشت. تنها پل خیبر واسطه بین خشکی و جزایر بود که آن هم مرتب زیر حمله دشمن قرار داشت. بنابراین وقتی که لشکرها در این دو جزیره کوچک خط تحویل گرفتند، عراق با آتش سنگینی که داشت، وجب به وجب آنجا را شخم زد. به جرئت می‌توانم بگویم که هر متر از مجنون پذیرای بیش از صد گلوله خمپاره و توپ شده بود. گاهی یک نقطه را آن قدر می‌کوبیدند که به عمق سه متر و مساحت ۵۰ الی ۶۰ متر چاله ایجاد می‌شد. آنقدر خاک این جزایر را بمباران می‌کردند که زمین زیر پایمان مثل گهواره مرتب تکان می‌خورد و می‌لرزید. در چنین شرایطی که هر انسانی تاب تحمل و مقاومت را از دست می‌دهد، ولایتمداری رزمنده‌ها باعث ماندگاری و مقاومت‌شان شد.

رزمنده‌هایی که چنین مقاومت عجیبی را مقابل دشمن به نمایش می‌گذاشتند از دید شما چه تعریفی دارند؟ اگر بخواهید از دید دشمن‌شان آنها را به تصویر بکشید چه؟

به نظر من تعریف چنین رزمندگانی مصداق همان «اشداء علی الکفار رحماء بینهم» است. انسان‌هایی که در مصاف با دشمن سرسخت و مقاوم بودند و در این سو، نمادی از شفقت و مهربانی می‌شدند. مصداق چنین انسان‌هایی هم در جنگ بسیار بودند. نمونه‌اش شهید موحد که در ظاهر انسان خشن و سختکوشی بود و چون قبل از ورود به جبهه شغل بنایی و کارگری داشت، سخت‌ترین کارها به ایشان واگذار می‌شد و در رویارویی با دشمن نیز مأموریت‌های دشوار را بر عهده می‌گرفت. شهید موحد مدتی مربی آموزشی شد و از جذبه‌اش کسی جرئت نداشت خلاف فرمانش حرفی بزند. اما کمی که با او گرم گرفتم، به شخصه دیدم چه انسان رئوفی است و خصوصاً با خانواده‌اش بسیار مهربان و دلسوز بود. ایشان دو فرزند دختر داشت و در مورد آنها گاهی با من صحبت می‌کرد. کمی قبل از شهادتش به اتفاق سفر حج رفتیم و در بازگشت طولی نکشید که به شهادت رسید. دیگری شهید قربانعلی عرب بود که یک دختر معلول داشت. البته ما بعد از شهادتش متوجه شدیم که فرزندش چنین مشکلی دارد و این شهید با وجود دغدغه‌هایی که پشت جبهه داشت تمام قد خودش را وقف جبهه و جهاد کرده بود. شهید بعدی قوچانی است. به ایشان علمدار لشکر می‌گفتند. قد رشید و ابهت خاصی داشت. اما وقتی به چهره‌اش نگاه می‌کردی، معصومیت را در چشمانش می‌دیدی و انگار نه انگار که او علمدار یک لشکر خط‌شکن است. قوچانی در والفجر ۸ و در منطقه کارخانه نمک فاو براثر اصابت گلوله توپ مستقیم تانک دشمن تکه‌تکه شد. هر سه این عزیز فرمانده محور بودند که دشمن آنها را می‌شناخت. در اینجا به بخش دوم سؤال‌تان می‌پردازم. دشمن از طریق شنود رادیویی و بیسیمی اسامی خیلی از فرماندهان ما را می‌دانست. ما بعدها به بخشی از اسناد آنها دست یافتیم. آنها می‌دانستند با چه انسان‌هایی طرف هستند و وحشت‌شان از نام برخی از این شهدا به قدری بود که به محض ورودشان به منطقه‌ای، دشمن حساب کار دستش می‌آمد و به اسم از فلان فرمانده ایرانی در مکالمات‌شان نام می‌بردند.

> به نظر من اگر باز هم جنگی اتفاق بیفتد و مردم و مسئولان در یک خط قرار بگیرند، جوانان نسل حاضر خیلی بهتر از ما از کشور اسلامی‌شان دفاع می‌کنند. ما همچنان از رهبری عزیز و با درایتی چون مقام معظم رهبری برخورداریم که خط امام را حفظ کرده‌اند و مردم ما نیز همان مردم مومن و مسلمانی هستند که حماسه‌ای به نام دفاع مقدس را خلق کردند

یک طرف قضیه حضور رزمندگان در جبهه بود و در طرف دیگر پشتیبانی‌های مردمی از جبهه‌ها، شما که در خطوط نبرد بودید چه خاطراتی از پشتیبانی‌های مردمی از جبهه‌ها دارید؟ از موارد مصداقی کمک‌های مردمی بگویید.

مردم ما همیشه در مواقع سخت یاری‌رسان همدیگر هستند. همین الان هم خدای ناکرده زلزله‌ای بیاید، این مردم از همنوعان‌شان حمایت می‌کنند. در جبهه‌ها که دیگر فرزندان خودشان حضور داشتند و مردم نیز سنگ تمام می‌گذاشتند. مثلاً ما که در لشکر ۱۴ امام حسین(ع) از استان اصفهان بودیم، مردم کاشان با پارچه‌های محلی و کارخانه‌های نساجی که داشتند، البسه رزمندگان را تأمین می‌کردند. یا منطقه کمشچه اصفهان که نان‌های معروفی دارد، نان مورد نیاز رزمندگان لشکر ما و لشکر نجف را تأمین می‌کرد. سردار قربانی هم که فرمانده لشکر ۲۵ بود و خودش اصفهانی است، نان لشکرش را از این مطنقه تأمین می‌کرد. در هر فصلی هم مردم میوه‌های همان فصل را به جبهه می‌فرستادند. خربزه گرگاب اصفهان معروف است. در تابستان کامیون‌های ۱۰ تنی از گرگاب خربزه به جبهه می‌آوردند و به اصطلاح مردم بهترین داشته‌های خود را به رزمندگان می‌دادند. همان طور که از شهرضا و انارهای معروفش هم سهمی برای رزمنده‌ها در نظر گرفته می‌شد در جشن‌ها و اعیاد شیرینی پزهای اصفهان به منطقه می‌آمدند و شیرینی می‌پختند یا کاشانی‌ها نذر هلیم می‌کردند و به منطقه می‌آمدند و نذرشان را با پختن هلیم یا عدسی و... ادا می‌کردند و برمی‌گشتند. از این دست مسائل خیلی زیاد بود و شاید بتوان گفت حداقل ۳۰ درصد نیازهای خوراکی و پوشاکی رزمنده‌ها را خود مردم تأمین می‌کردند. دفاع مقدس یک دفاع تمام عیار از سوی تمام اقشار مردم ایران بود.

به نظر شما در شرایط مشابه باز هم می‌توانیم شاهد خلق چنین حماسه‌ای از سوی مردم کشورمان باشیم؟

ببینید، این انقلاب نبود که اسلام را به ما هدیه داد بلکه مسلمانی مردم بود که باعث بروز انقلاب اسلامی شد. بنابراین هنوز هم این مردم مسلمان و غیرتمند کشور و انقلاب‌شان را دوست دارند، ولو اینکه از رفتار برخی از مسئولان ناراحت هم باشند. به نظر من اگر باز هم جنگی اتفاق بیفتد و مردم و مسئولان در یک خط قرار بگیرند، جوانان نسل حاضر خیلی بهتر از ما از کشور اسلامی‌شان دفاع می‌کنند. ما همچنان از رهبری عزیز و با درایتی چون مقام معظم رهبری برخورداریم که خط امام را حفظ کرده‌اند و مردم ما نیز همان مردم مومن و مسلمانی هستند که حماسه‌ای به نام دفاع مقدس را خلق کردند.

در ایام هفته دفاع مقدس قرار داریم، یاد حماسه آفرینی این روزها را به چه کسانی تقدیم می‌کنید؟

جا دارد در این ایام یادی کنم از همه شهدای انقلاب و دفاع مقدس، همان مردانی که با دست خالی اما با ایمانی راسخ، حماسه‌ها آفریدند و از کیان کشور اسلامی‌شان دفاع کردند. خصوصاً باید یادی کنم از حاج حسین خرازی فرمانده توانمند لشکر ۱۴ امام حسین(ع) و همه رزمندگان با صفای این لشکر خط‌شکن که همواره در چنین ایامی ناخودآگاه به یاد حماسه‌آفرینی، ایثارگری و رشادت‌هایشان می‌افتم. جای شهدایمان خالی و برای شادی روح‌شان صلوات.

گفت‌وگو

روایتی از شهادت تا تفحص شهید احمد دلیل

آمدم بعد از ۳۱ سال گمنامی

■ صغری خیل فرهنگ

چندی پیش پیکر شهید مفقودالاثر احمد دلیل همراه با ۱۷۵ غواص به کشور بازگشت و عطر شهادت در کوچه پس‌کوچه‌های روستای ورزگ شهرستان قائنات پیچید. شهدایی که آمدند تا مرهمی بر زخم‌های مادرانه‌ها شوند و مزارشان تکیه‌گاهی برای تنهایی. امروز پدری چشم در راه و مادری که رجعت همه هستی‌اش را ۳۱ سال به انتظار نشسته بود برایمان حکایت‌ها دارند. برای آشنایی با شهید احمد دلیل با محمد فروزان‌نژاد از بستگان و همرزمان شهید به گفت‌وگو نشسته‌ایم که از نظرتان می‌گذرد:

■ اعزام به غرب و مجاهدت‌های خاموش

شهید احمد دلیل متولد ۱۳۴۲ است. من و شهید نسبت فامیلی داشتیم و از دوران کودکی با هم بزرگ شدیم و دوران مدرسه و انقلاب را با هم گذراندیم. ما اهل روستای وورز شهرستان قائنات استان خراسان جنوبی هستیم. من و شهید در فعالیت‌های انقلابی شرکت می‌کردیم و تمام تلاش خود را می‌کردیم تا خود را به تظاهرات و راهپیمایی‌های علیه رژیم که در شهرستان برگزار می‌شد برسانیم.

سال ۱۳۵۹ خودمان را برای خدمت سربازی معرفی کردیم اما اعزام نشدیم. چون زمزمه فعالیت ضد انقلاب را در میان مردم کردستان و غرب شنیده بودیم خود را به خیل بسیجیان امام خمینی (ره) رساندیم. همزمان دوران آموزشی رزمی را سپری کردیم و از آنجایی که من یک سالی از شهید بزرگ‌تر بودم، من را به عنوان کادر در بسیج نگه داشتند و ایشان به عنوان بسیجی به غرب اعزام شد و در اولین حضور و مجاهدتش در غرب مجروح شد.

خانواده شهید دلیل در انتظار آمدن پیکر فرزندشان

■ از حنابندان شب عملیات جا مانده بود

تا سال ۱۳۶۲ من افتخار حضور در منطقه را پیدا نکردم اما در این مدت احمد سه مرتبه در جبهه حضور پیدا کرد و در دو عملیاتی که در آن شرکت داشت هم مجروح شد. مدتی بعد یعنی در ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲ راهی مناطق عملیاتی شدم و همراه با شهید در عملیات خیبر شرکت کردیم. خوب به خاطر دارم شب عملیات بود همه بچه‌ها در حال و هوای رفتن بودند. به گردان رفتم دیدم احمد ناراحت در کناری نشسته است. گفتم چه شده چرا ناراحتی؟

دوستانش گفتند: احمد برای شناسایی منطقه رفته بود و وقتی برگشت حنا برایش نمانده بود. گفتم اینکه ناراحتی ندارد من برایت حنا می‌آورم. به سنگرمان آمدم و مقداری حنا برایش آوردم او خیلی خوشحال شد. احمد مقید بود همواره قبل از هر عملیات دست و پایش را حنا می‌بست. عاشق شهادت بود. احمد دلیل مجرد بود و هر باری هم که مادر می‌گفت باید ازدواج کنی بهانه می‌آورد و می‌گفت: ازدواج من الان جبهه و سنگر و جهاد است.

■ مزاری که امروز آرامگاه دل مادر است

در پایان سال ۱۳۶۳ در عملیات بدر هم در کنار هم در میدان نبرد با دشمن حضور یافتیم. ایشان در گردان رزمی بودند و من در ستاد پشتیبانی فرماندهی تیپ نصر. ایشان درعملیات بدر در خط مقدم حضور داشت و در صبح ۲۳ اسفند ماه ۱۳۶۳ با اصابت ترکشی به پیشانی مجروح شد. در عملیات بدر نیروهای دشمن در موقعیت بهتری نسبت به نیروهای ما قرار داشتند. من هم سه باری برای بحث پشتیبانی به خط اعزام شدم و برای دیدن احمد رفتم. پیشانی‌اش را باندپیچی کرده بود و از او خواستم به عقب برگردد اما او نپذیرفت و گفت: فرمانده، معاون و فرمانده گردان شهید شده‌اند کسی اینجا پیش بچه‌ها نیست، باید بمانم. خونریزی کمی داشت اما تا ساعت ۴ بعد از ظهر در کنار بچه‌ها مانده بود. زمانی که دستور عقب‌نشینی صادر شد، احمد همه نیروها را از خاکریز عبور می‌دهد. ساعت ۴ بعد از ظهر بود که همه بچه‌ها به عقب برگشته بودند از آنها سراغ احمد را گرفتم. آنها گفتند هنگام هدایت آخرین نفرات ترکش به ایشان اصابت کرده و به سمت خاک دشمن غلت خورده است. بچه‌ها خیلی منتظر شده بودند تا احمد از خاکریز بالا بیاید، اما خبری نمی‌شود و به ناچار به عقب بازمی‌گردند. من خودم چند مرتبه برای تجسس به آنجا رفتم اما موفق نشدم چون منطقه دست دشمن افتاده است. گویی زمانی که ایشان از روی خاکریز غلت می‌خورد داخل گودالی می‌افتد و خاک‌هایی که از شدت انفجار گلوله‌ها رویش ریخته ایشان را استتار می‌کند. بعدها بچه‌های تفحص و اطلاعات شناسایی برای پیدا کردن پیکرش رفتند اما خبری نشد. ۳۱ سال بعد ایشان در همان گودال در حالیکه کارت شناسایی و مدارک، شیشه عطر و آینه همراهش بوده تفحص می‌شود و همراه با شهدای غواص به میهن اسلامی بازمی‌گردد و همزمان با سالروز شهادت امام جعفر صادق(ع) تشییع و به خاک سپرده می‌شود. امروز مزار شهید آرامگاه دل مادر و پدر شهیدی است که انتظار را خسته کردند و ۳۱ سال چشم بر در خانه ماندند.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ٤٦٣٥

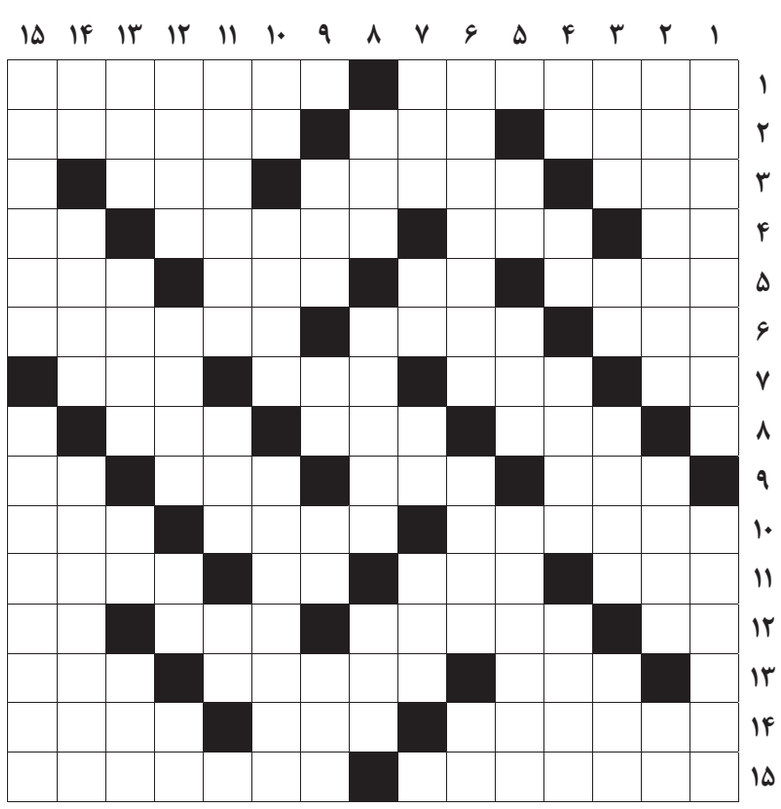

از راست به چپ

■ ۱- نام سابق همدان- هنرپیشه معروف فرانسوی ■ ۲- کنده کاری روی چوب- ساختمان بلند- آواز پرندگان ■ ۳- درخت کنار- نام پدر ضحاک- مظهر استواری در طبیعت ■ ۴- ضمیر مخاطب- حاجت خواستن از خدا- از شهرهای استان گیلان- آفت نباتی ■ ۵- دفینه و گنج در زیرزمین- یار غم- سطل آب- خبرگزاری سوییس ■ ۶- عقاب سیاه- علم و آگاهی- سزای کار بد کسی را دادن ■ ۷- از گروه‌های خونی- همکار ضرب- وقتی در عقرب باشد کاری نشاید- پیاز ■ ۸- انجیر عرب- شعبه‌ای از دین بودایی- چینه دیوار ■ ۹- مصب؛ شاخه‌ای از دریا- گلو- سگ بیمار- فلز رسانا ■ ۱۰- صنعت جهانگردی- شتر تندرو- جام ■ ۱۱- بلدرچین- امید و آرزو- تو و میان چیزی- پوشیده ■ ۱۲- عدد منفی- از شهرهای ترکیه- بها و قیمت- پوستین وارونه ■ ۱۳- صفت سرو- ملی‌پوش فوتبال ایران- بخشش ■ ۱۴- از شهرهای استان کرمانشاه- متضاد هیچ- خواب را لذت‌بخش می‌کند ■ ۱۵- شمالی‌ترین شهر استان خوزستان- خواستن... است

از بالا به پایین

■ ۱- پایتخت هلند- دشت‌های بی‌درخت شمال روسیه ■ ۲- تفحص و جست‌وجو- اجتماع میوه‌ها بر روی یک شاخه از درخت- تاکسی پرظرفیت ■ ۳- گربه‌سان تیزرو- پایه و بنیاد- افزایش مستمر و پایدار سطح عمومی قیمت- گراز ■ ۴- علامت جمع عربی- سدی در جنوب- رنگی از خانواده سفید- منسوب به آهن ■ ۵- حرف همراهی عرب- سیمان مسلح- بیماری مردم‌آزاری ■ ۶- پیامبر بت‌شکن- کاخی در اسپانیا- باران اندک ■ ۷- تنه درخت- واحد وزن سنتی- از نت‌های موسیقی- قسمتی از زندان ■ ۸- همسایه- گیجگاه- دریایی در ترکیه ■ ۹- بهره و فایده- زوبین- پهلوان- پیروان پیامبر ■ ۱۰- پافشاری در عناد و مخالفت- پول استرالیا- از رودهای مهم چین ■ ۱۱- از روسای جمهور آمریکا- درجه‌ای در رشته‌های رزمی- راه میان‌بر ■ ۱۲- عوامل تزیینی مانند نقاشی، وسیله و اثاث- اصل و نسب- مغز انسان- رود فرانسوی ■ ۱۳- قسمت عمیق دریا- مسجدی در بیت‌المقدس- نوعی زغال سنگ- دهل ■ ۱۴- او- آب روان- سفر اداری ■ ۱۵- کاپیتان پیشین تیم ملی فوتبال ایران- نام خانوادگی زردشت

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۸	۵	۲						۱
						۶	۴	
			۸		۱			
	۷	۴			۳			
						۳	۶	
		۳		۵	۲			
						۸		۴
			۱		۹			
۵	۳						۲	

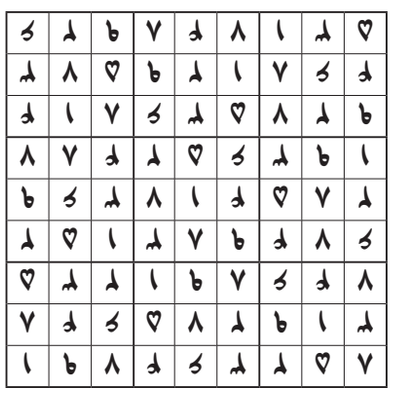

جدول کلمات متقاطع
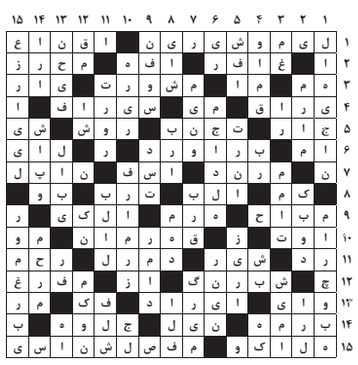
پاسخ جدول شماره ۴۶۳۴